

مسکوکات و نظام پولی مصر و شام در دوره ممالیک برّجی و اثر سیاست‌های مالی ایشان بر آن (۷۸۴-۹۲۳ ق)

احمدرضا متولی*

حمیدرضا ثنائی*

چکیده

نخستین منبع درآمد ممالیک برّجی (حک: ۷۸۴-۹۲۳ ق) تجارت بود و از این رو، رونق و زوال نظام مالی یکی از عوامل اصلی اثرگذار بر قدرت آنان بود. در نظام مالی ایشان، معاملات با دینار طلا، درهم نقره و درهم فلوس (از جنس مس) صورت می‌پذیرفت. ضرب این سکه‌ها و وزن آنها در سراسر حکومت ممالیک برّجی، تحت تاثیر شرایط مختلف اقتصادی و سیاسی در نوسان بود و این امر، تاثیرات نامطلوبی بر اقتصاد ایشان بر جای می‌گذاشت. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی، ضمن شرح نظام پولی ممالیک برّجی، به دنبال پاسخ بدین پرسش است که سیاست‌های مالی این حکومت چه اثری بر نظام مالی ایشان و تبعاً وضع اقتصادی مصر و شام در زمان حکمرانی ایشان نهاده است. یافته‌ها حاکی از آن است که نظام مالی ممالیک برّجی نوسان بسیاری را تجربه کرد و به شدت آشفته بود. آنان در زمان کمبود بودجه با جمع‌آوری سکه‌های موجود و سپس ضرب سکه‌های جدید به نوعی خود عامل ایجاد بحران اقتصادی مضاعف می‌شدند که به نوبه خود در ضعف ایشان اثرگذار بود.

کلیدواژه‌ها: ممالیک برّجی، نظام مالی، مصر و شام.

* استادیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه پیام نور، motavalli_a_r@yahoo.com

* استادیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)،

hr.sanaei@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۱۳، تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۲

۱. مقدمه

مقریزی (۷۶۶-۸۴۵ق.) که در مصر دوره ممالیک برّجی به سر می‌برد، ضمن تقسیم‌بندی طبقات اجتماعی مصر در این دوره، طبقه بازرگانان را پس از اهل دولت در رتبه دوم قرار داده (مقریزی، ۱۹۸۰: ۱۱۱) که تا حدودی از اهمیت تجارت در مصر این دوره حکایت دارد. با توجه به جایگاه تجارت و مبادلات گسترده خارجی در این دوره بررسی نظام مالی در قلمرو ممالیک برّجی شایان توجه است.

وضع اقتصادی ممالیک برّجی و مصر در زمان ایشان فراز و فرود بسیاری را تجربه کرد و انتظار می‌رفت حکومت بتواند با اتخاذ تدابیری بحران‌های پیش‌آمده را پشت سر بگذارد. بنابراین، در شرح نظام مالی مصر در دوره ممالیک برّجی پس از شرح انواع پول‌های رایج در دادوستد و میزان رواج هر یک، می‌توان به عنوان سؤال اصلی این پژوهش، سیاست‌های پولی این دولت برای سامان دادن به نظام مالی و تبعاً وضع اقتصادی را مورد کنکاش قرار داد. به عبارت دیگر، سؤال اصلی این مقاله عبارت است از این که عملکرد و اقدامات حکومت ممالیک برّجی چه اثری بر نظام مالی و پولی مصر بر جای نهاد.

در معرفی و بررسی منابع مربوط به موضوع پژوهش حاضر می‌توان به آثار قلقشندی، مقریزی، ابن تغری بردی و ابن ایاس اشاره کرد که ضمن بیان حوادث تاریخی به وضع اقتصادی و نظام پولی ممالیک اشاره داشته‌اند. در این میان، گویا ابن ایاس (۸۵۲-۹۳۰ق) در *بدائع الزهور فی وقایع الدهور* علاقه بیشتری به بیان مسائل اقتصادی و نظام پولی ممالیک نشان داده و در موارد متعددی به این موضوع پرداخته است. اثر ابن ایاس از این نظر که روزگار زوال و سقوط ممالیک را از نزدیک شاهد بوده، حائز اهمیت است. مقریزی (۷۷۶-۸۴۵ق.) نیز در آثار خود و به ویژه در *اغاثه الامه بکشف الغمه* به مسائل اقتصادی و همچنین وضع بازار و داد و ستد توجه داشته است؛ اما اثر او بخش عمده‌ای از دوره ممالیک برّجی را در بر نمی‌گیرد.

در زبان فارسی اثری درباره نظام مالی ممالیک برّجی وجود ندارد. ترجمه آثار شبارو با عنوان *تاریخ دولت ممالیک و جان باگت گلاب* به نام *سربازان مزدور* در دسترس است؛ ولی اطلاعاتی درباره نظام مالی ممالیک برّجی در این آثار دیده نمی‌شود. از این رو، گویا هنوز اثری به زبان فارسی در این خصوص منتشر نشده است. با این همه، آثاری در این زمینه به زبان عربی و انگلیسی وجود دارد. محمد فتحی زامل در اثر *خود التحولات*

الاقتصادیه فی مصر اواخر العصور الوسطی در بخشی جداگانه با بهره‌گیری از آثار محققان غربی به معرفی سکه‌های دوره ممالیک پرداخته است. نجیدی در کتاب *النظام النقدي المملوکی و نبرای در کتاب النقود الاسلامیه فی مصر* نیز به نظام مالی ممالیک پرداخته‌اند. از میان نویسندگان غربی، وارن سی شولتز (Warren c. Schultz) در اثر خود *Mamluk Monetary History* با بهره بردن از سکه‌های به جا مانده از دوره ممالیک، نظام مالی این دوره را بررسی و تحلیل کرده است. او در فصل دوازدهم جلد نخست تاریخ مصر کمبریج نیز در مقاله‌ای تحت عنوان "The monetary history of Egypt, 642-1517" به تاریخ مسکوکات در مصر پرداخته است. دیوید آیلون (Ayalon) نیز در مقاله "The system of payment in Mamluk military society" از چگونگی پرداخت حقوق و پاداش به نظامیان مملوکی سخن گفته است و در ضمن بحث، اطلاعاتی درباره وضع پولی آن دوره و به‌ویژه ارزش دینار تا نیمه قرن ۹ق. ۱۵/م ارائه کرده است. شوشان (Boaz Shoshan) نیز در کتاب *exchange-rate policies* به تأثیرات اقتصادی و اجتماعی تغییرات ارزش پول در جامعه مصر در این دوره پرداخته است.

۲. دینار

در دوره ممالیک برجی، داد و ستد در مصر و شام با سه نوع پول انجام می‌شد: نخست دینار طلا که بسیار اندک بود و در معاملات به صورت محدود استفاده می‌شد. دوم نقره که کمتر از دینار رایج بود و حتی گاهی به علت کمبود، داد و ستد با آن منسوخ می‌شد و نوع سوم فلوس که به ظاهر از جنس مس، اما دارای ناخالصی بود و بیش از سکه‌های دیگر به کار می‌رفت و با وجود نارضایی مردم پول رایج معاملات بود (مقریزی، ۱۹۹۷: ج ۴۵۲/۷؛ همو، ۱۹۸۰: بی تا: ۷۱).

در دوره ممالیک مقادیر بسیاری طلا از سرزمین‌های مجاور مصر که بخش عمده آن از سودان به ویژه تکرور، از مناطق تحت سلطه سلطان مالی، تامین می‌شد. معادن طلای این مناطق، نقشی مهم و حیاتی در اقتصاد ممالیک داشتند (قلقشندی، بی تا: ج ۲۹۲/۵؛ خادم، ۱۹۸۹: ۱۵۷). همچنین مقادیر محدودتری از طلا نیز از ونیز به مصر و شام انتقال می‌یافت (Heyd, 1886-1888: 2/440).

بازرگانان مسلمان پشم و مس به تکرور می‌بردند و از آن جا طلا و برده می‌آوردند. از سودان نیز در قبال صدور نمک، طلا وارد می‌کردند. حجاج تکرور نیز در مسیرشان که از

مصر می‌گذشت، مقادیر زیادی از طلا را به عنوان هدیه به کارگزاران ممالیک اهدا می‌کردند (قلقشندی، بی‌تا: ج ۸۶۵، ۲۸۷-۲۸۸). دولت ممالیک طلای وارداتی را در دارالضرب قاهره به سکه‌های طلا تبدیل می‌کرد و روی برخی از آنها نام دارالضرب قاهره را حک می‌کرد (نبراوی، ۱۹۹۶: ۳۵).

مهم‌ترین مراکز ضرب دینار در عصر ممالیک برجی، قاهره به عنوان مهم‌ترین مرکز و سپس اسکندریه بود (نجیدی، ۱۴۱۴ق: ۵۲). در شهرهای شام از جمله دمشق، حمات، حلب و طرابلس و لاذقیه نیز سکه ضرب می‌شد (Schultz, 1999: 184). مراکز ضرب سکه، مورد توجه دولت بود و قاضی‌القضات یا نمایندهٔ وی به عنوان متولی و ناظر عیار و کیفیت ضرب سکه تعیین می‌شد (مقریزی، ۱۹۹۸: ج ۱۱/۱). با وجود این نظارت‌ها، دولت خود در ضرب سکه‌ها غش می‌کرد (ابن تغری بردی، ۱۹۷۲: ج ۲۲۶/۱۴). علت این امر سودجویی ممالیک و مشکلات اقتصادی ایشان بود. سکه‌هایی به نام افرنتی یا دوکات نیز از اروپا وارد می‌شد که غش نداشت (مهدی، ۲۰۰۸: ۲۹). وزن شرعی سکه‌های طلا ۴/۲۵ گرم بود و در عرف مردم به مثقال شهرت داشت (مقریزی، ۲۰۰۷: ۶۴). گاهی وزن یاد شده چندان رعایت نمی‌شد، چنان‌که در سلطنت قایتبای (حک: ۱۸۷۳-۹۰۲ق.) که درگیر آشوب‌های داخلی و جنگ با عثمانیان بود (سखाوی، بی‌تا: ج ۱۱۶۵/۳؛ زقلمه، ۱۹۹۵: ۹۱)، وزن آن به ۳/۴۰ گرم رسید و افزون بر آن، مقدار طلای به کار رفته در آن نیز کاهش یافت (نبراوی، ۱۹۹۶: ۲۶۰).

مقریزی به سه نوع دینار رایج در دورهٔ ممالیک برجی اشاره دارد: ۱- سکه‌های خالی از غش یا سکه‌های خالص به نام هرجه که در میان مردم چندان رایج نبود. در یک طرف این سکه عبارت «أشهد أن لا اله الا الله و أشهد أن محمدا رسول الله» نقش شده و در طرف دیگر آن، تاریخ ضرب و اسم سلطان و مکان ضرب حک می‌شد (مقریزی، ۱۹۹۷: ج ۳۷۸-۳۷۹). این نوع سکه‌ها تا پایان سلطنت برقوق (حک: ۷۸۴-۷۹۱ق، ۷۹۲-۸۰۱ق) رواج داشت (Schultz, 1999: 184). ۲- سکه‌هایی به نام افرنتی، افلوری، بُندُقی و دوکات که از اروپا وارد می‌شد، یک طرف آن‌ها تصویر یک طرف از صورت انسان در دایره‌ای و در طرف دیگر، تصویر دو طرف صورت انسان در دایره‌ای قرار داشت. این سکه‌ها از سال ۷۹۰ق. در قاهره به کار برده شد و سپس در شام و حجاز و یمن هم رواج یافت. ۳- نوع سوم به طلای ناصری شهرت داشت و به سلطان مملوکی، ناصر فرج (حک: ۸۰۱-۸۰۸ق) منسوب بود (مقریزی، ۱۹۹۷: ج ۳۷۸-۳۷۹). البته سکهٔ دیگری به نام اشرفی، منسوب به

سلطان مملوکی، اشرف برسبای (حک: ۸۲۵-۸۴۱ق) هم رواج داشت. سکه مذکور به همراه سکه دوکات ونیزی و افرنتی و فلورانسی تا پایان دوره ممالیک در معاملات مورد استفاده قرار می‌گرفت (زامل، ۲۰۰۸: ۲۰۰)؛ اما به علت روابط تجاری گسترده ممالیک با ونیز سکه دوکات در مصر و شام رواج بیشتری داشت (مهدی، ۲۰۰۸: ۳۰).

وزن سکه‌های دینار ثابت نداشت و با توجه به شرایط در نوسان بود و این امر با وضع اقتصادی ممالیک ارتباط مستقیمی داشت. وزن آن تا اواسط دهه سوم قرن ۹ق. ثابت داشت؛ اما از این زمان به بعد تا پایان سلطنت ممالیک در معرض تغییر بود (Schultz, 1999: 186). برسبای (حک: ۸۲۵-۸۴۱ق). وزن آن را به $3/43$ گرم کاهش داد. بین سال‌های ۸۵۷-۸۷۲ق. متوسط وزن یک سکه دینار حدود $3/40$ گرم بود و پس از این تاریخ، میان $3/37$ تا $3/41$ گرم نوسان داشت. در سال‌های پایانی حکومت ممالیک برجی، وزن آن به $3/20$ گرم رسید و افزون بر آن، ناخالصی آن نیز افزایش یافت. در همین زمان، تلاش آخرین سلطان مملوک، سلطان قانصوه غوری (حک: ۹۰۷-۹۲۲ق). برای سر و سامان دادن به وضع آشفته ضرب سکه‌های طلا و وزن و عیار آنها با موفقیت همراه نشد (زامل، ۲۰۰۸: ۲۰۰-۲۰۱).

علت کاهش وزن و افزایش ناخالصی دینار را باید در مشکلات اقتصادی و افزایش هزینه‌های سلاطین جستجو کرد. هر چه انحطاط اقتصادی بیشتر می‌شد، غش و ناخالصی سکه‌ها نیز افزایش بیشتری می‌یافت. در دوره قایتبای (حک: ۸۷۳-۹۰۲ق). وقوع شورش در شام و لزوم خرید و تربیت غلامان برای مقابله با آن، حکومت وی را در تنگنای اقتصادی قرار داد. هزینه هنگفت سرکوب آن در سال ۸۷۷ق به ۷۳۰۰۰۰ سکه رسید و از این رو، ناچار شد با ضرب سکه‌هایی با وزن و عیار کمتر به پول بیشتری دست یابد. گذشته از آن، قایتبای با فروش ادویه به اروپاییان، سکه‌ها و شمش‌های طلای آنان را که وزن و عیار ثابتی داشت، دریافت کرده به دارالضرب می‌برد و به سکه‌های مملوکی با وزن و عیار کمتر تبدیل می‌کرد (نبرای، ۱۹۹۶: ۲۳۱، ۲۶۰) نکته مهم این که ثابت بودن وزن و عیار سکه‌های اروپایی، سبب توجه بازرگانان و مردم و استفاده از آنها در معاملات روزمره می‌شد (اشقر، ۱۹۹۹: ۳۲۴-۳۲۵).

ناخالصی سکه‌های ممالیک سبب می‌شد که اروپاییان معاملات خود با ایشان را به شیوه معاوضه یا معامله پایاپای انجام دهند که در نظام اقتصادی ممالیک آثار نامطلوبی برجای گذاشت؛ زیرا ممالیک کالاهای معاوضه‌ای را گران‌تر از کالاهای غیر معاوضه‌ای

می‌فروختند، در حالی که نوع کالا تفاوتی نداشت. این امر موجب می‌شد که یک کالا دارای دو قیمت شده و سبب گرانی و ایجاد مشکلات اقتصادی شود (خادم، ۱۹۸۹: ۱۸۵، ۲۰۹). شاید بخشی از مشکل گرانی به آن باز می‌گشت که بیشتر کالاها به سبب بهای کم آن‌ها در داخل به خارج مصر صادر می‌شد و کمبود عرضه در داخل، گرانی را در پی داشت.

بهای یک دینار در دورهٔ ممالیک برّجی بین ۲۱۰ تا ۴۶۰ درهم (درهم فلوس)^۲ متغیر بود. از ابتدای به قدرت رسیدن ممالیک برّجی (۷۸۴ق) تا سال ۸۵۷ق بهای آن از ۳۰۰ درهم افزایش نیافت (زامل، ۲۰۰۸: ۲۰۱-۲۰۲)؛ اما از این زمان تا سال ۹۲۳ق. بین ۳۰۰ تا ۴۶۰ درهم متغیر بود (زامل، ۲۰۰۸: ۲۰۲). این نوسان بستگی به نوع دینار و همچنین وزن و اندازهٔ فلوس داشت. دولت مملوکی بهای دینار را به طور رسمی اعلام می‌کرد که کمتر از میزان رایج در بازار و معمولاً ۳۰۰ درهم بود (ابن ایاس، ۱۹۸۲: ج ۳۳۶/۲؛ مقریزی، ۱۹۹۷: ج ۶/۴۱۵-۴۲۰) بنابراین، دینار در بازار دارای دو قیمت بود، یکی رسمی که دولت اعلام می‌کرد و دیگری قیمت واقعی که در بازار مورد تبادل قرار می‌گرفت (Shoshan, 1986: 36). هدف اصلی از این اعلان بها توسط دولت، پایین نگه داشتن بهای کالاها بود و علی‌رغم تلاش دولت در بسیاری از مواقع، بهای کالاها روند صعودی داشت (ابن تغری بردی، بی‌تا: ج ۲/ ۲۹۱؛ زامل، ۲۰۰۸: ۲۰۲). این سخن دربارهٔ غلات و مواد غذایی صدق نمی‌نکند، زیرا تبادل این کالاها با درهم و فلوس بود و کاهش نرخ دینار تاثیری بر آن‌ها نداشت و به نظر می‌رسد هدف آنان بیشتر کنترل اجناس تجملی بود که دادوستد آنها با دینار انجام می‌پذیرفت (Shoshan, 1986: 38).

گاهی پیش می‌آمد که حکومت مملوکی با درانداختن شایعهٔ نزدیک بودن اعلان کاهش بهای دینار، مردم را وامی‌داشت با دینارهایی که ارزش‌شان تحت تاثیر شایعه کاهش یافته بود، شتابزده کالاها را تحت نظارت دولت را خریداری کنند (ابن تغری بردی، بی‌تا: ج ۲/ ۳۰۸-۳۰۹). روشن است که این اقدام به زیان مردم و به سود حکومت بود. گاهی مردم در برابر این مشکلات واکنش نشان می‌دادند و نارضایی و اعتراض خود را به گونه‌ای ابراز می‌داشتند (مقریزی، ۱۹۹۷: ج ۲/ ۲۰۵-۲۰۶).

در مجموع می‌توان گفت که سیاست پولی ممالیک در زمینهٔ سکه‌های دینار، نتایج نامطلوبی در پی داشت و مردم بندرت از آن استفاده می‌کردند و هرچند بهای کالا را با دینار تعیین می‌کردند، با درهم (نقره) معامله می‌کردند (زامل، ۲۰۰۸: ۲۰۵).

۳. درهم (نقره)

سکه‌های درهم از جمله سکه‌های رایج دوره ممالیک برجی در مصر و شام بود که دو سوم آن از جنس نقره و یک سوم از مس بود (قلقشندی، بی‌تا: ج ۴۴۳/۳، ۴۶۲؛ زیاده، ۱۳۶۶: ۱۳۴). از آن جا که سرزمین مصر فاقد معادن نقره بود، آن را از خارج به ویژه شرق اروپا وارد می‌کردند که با غلبه عثمانی بر شرق اروپا در نیمه دوم قرن ۹ق. مصر برای تهیه آن دچار مشکل شد (زامل، ۲۰۰۸: ۲۰۶-۲۰۷).

تا دو دهه نخست حکومت ممالیک برجی (۷۸۴-۹۲۳ق.) بهای درهم نسبت به دینار، تغییر چندانی نداشت و یک دینار معادل ۲۰ یا حداکثر ۲۸ درهم متغیر بود، اما پس از آن این وضع تغییر یافت و ارزش درهم به شدت کاهش یافت، چنان که در سال ۸۰۵ق. یک دینار بین ۶۰ تا ۶۵ درهم متغیر بود و در بین سال‌های ۸۱۸ تا ۸۵۶ق. به ۲۳۰ تا ۲۸۵ درهم و در سال‌های ۸۵۶ تا ۸۶۱ق به حداکثر ۳۷۰ درهم رسید و پس از آن نیز ارزش آن در برابر دینار کاهش بیشتری یافت و هر ۴۶۰ درهم فقط یک دینار ارزش داشت (Ayalon, 1957: 47-48).

با آن که وزن شرعی درهم ۲/۹۷ گرم بود (هینس، ۱۳۸۸: ۲)، متوسط وزن آن در دوره ممالیک بحری ۲/۷۰ و در روزگار ممالیک برجی به کمتر از ۲ گرم رسید (نجیدی، ۱۴۱۴: ۱۹۲-۱۹۳). اگرچه گاهی وزن آن به ۲/۹۷ و حتی به ۳/۲۵ گرم می‌رسید، مقدار خلوص آن کاهش می‌یافت (زامل، ۲۰۰۸: ۲۰۶). درهم در بازارهای مصر و شام به اشکال مختلف از جمله یک، نیم و ربع درهم در معامله‌ها استفاده می‌شد (ابن تغری‌بردی، ۱۹۷۲: ج ۲/۲۹۵). در اواخر دوره ممالیک برجی، بیشتر داد و ستدها با نیم درهم که آن را آنصاف می‌گفتند، صورت می‌گرفت (ظاهری، ۲۰۰۲: ۳۳/۲، ۵۵).

سکه‌های تقلبی نقره در زمان سلطان اینال (حک: ۸۵۷-۸۶۵ق.) در شام ضرب شد که حداکثر ۵۰٪ آن از نقره بود. ضرب این سکه‌های تقلبی آشفته‌گی اقتصادی از جمله افزایش قیمت‌ها را در پی داشت. به عنوان نمونه، در سال‌های ۸۶۱ و ۸۶۲ق. با ضرب چنین سکه‌هایی، خرید و فروش کالاها متوقف شد؛ زیرا فروشندگان از خسارت می‌ترسیدند. بدین ترتیب، بازارها تعطیل شد و این وضع سلطان را واداشت با جمع‌آوری سکه‌های ناخالص و ضرب سکه‌های جدید (۸۶۲ق) درصدد اصلاح برآید. بهای درهم‌های ناخالص

قبلی ۱۶ درهم فلوس بود و با ضرب درهم‌های خالص‌تر جدید به ۲۴ درهم فلوس رسید.
(ابن تغری بردی، بی تا: ج ۲/۲۹۵، ۳۱۲-۳۱۳)

در سال ۸۷۹ق سلطان قایتبای (حک: ۸۷۳-۹۰۲ق). سکه‌های نقره را به صورت یک، نیم و ربع درهم ضرب کرد. وزن سکه‌های نیم‌درهمی که بیشتر سکه‌ها را شامل می‌شد، حدود ۱/۲۸ تا ۱/۵۵ گرم بود. این سکه‌های ضرب شده با وزن و عیار تنزل یافته بازار را دچار بحران کرد (نبرای، ۱۹۹۶: ۲۹۹). ارزش نیم درهم که ۱۲ فلوس بود با ضرب سکه‌های جدید به ۳ فلوس رسید و از این رو، در معاملات به جای شمارش تعداد سکه، وزن آن‌ها را می‌سنجیدند. این وضع کم‌وبیش تا پایان سلطنت قایتبای (۹۰۲ق) ادامه داشت (ابن ایاس، ۱۹۸۲: ج ۳/۱۲۱، ۱۶۷)؛ با این‌همه، گزارش‌هایی از سال‌های پایانی حکومت ممالیک نیز در دست است که داد و ستد بر اساس تعداد درهم را نشان می‌دهد (نک: ابن ایاس، ۱۹۸۲: ج ۵/۶۰).

سلاطین مملوکی گاهی در شرایط فشار اقتصادی با ضرب سکه‌های جدید با وزن و عیار کمتر و اعلام منع معامله با دیگر سکه‌ها موجب آشفتگی بازار و زیان تجار و مردم می‌شدند (نبرای، ۱۹۹۶: ۳۰۲). بر اثر چنین سیاست‌هایی، گاهی بازرگانان تا یک سوم دارایی خود را از دست می‌دادند (گلاب، ۱۳۸۶: ۴۱۹). این اقدام که با جمع‌آوری سکه‌های رایج با پرداخت بهایی اندک همراه بود، با هدف تأمین هزینهٔ دولت انجام می‌پذیرفت و اگرچه می‌توانست در کوتاه مدت سود زیادی را نصیب دولت کند، با زیان رساندن به مردم و به ویژه بازرگانان، فقر و بحران اقتصادی و تجاری را در پی داشت. برای آگاهی از زیانی که بازرگانان در تجارت با ممالیک یا تجارت در قلمرو ایشان متحمل می‌شدند، نقل سخن سلطان سلیم عثمانی به قانصوهٔ غوری کافی است. سلطان در پاسخ به اعتراض قانصوه غوری نسبت به انتقال نیافتن برده به مصر نوشت: «من مانع تجارت بازرگانان برده نشدم، آنان به دلیل متضرر شدن در تجارت با شما (به علت بی‌ثباتی و آشفتگی وضع پولی) از انتقال بردگان چرکس به مصر امتناع می‌کنند» (ابن ایاس، ۱۹۸۲: ج ۵/۴۵)

هماهنگ نبودن شکل ظاهری سکه‌ها و اختلاف وزن واقعی با وزن اعلام شدهٔ رسمی، سبب بروز مشکلاتی در استفاده از آن‌ها می‌شد - و چنان‌که پیشتر ذکر شد - مردم ناچار بودند در داد و ستد به جای شمارش تعداد سکه‌ها، آن‌ها را وزن کنند که این امر، ثقل در وزن‌کشی و سوء استفادهٔ صرافان را در پی داشت (اسدی، ۱۹۶۸: ۱۱۷-۱۱۹، ۱۲۲-۱۲۳، ۱۲۸-۱۲۹). البته این وضع همیشگی نبود (ابن صیرفی، ۱۹۹۸: ۴۸۳).

علی‌رغم ضعف اقتصادی و کمبود نقره به علت ممانعت حکومت عثمانی از ارسال نقره اروپا به مصر و شام، (مهدی، ۲۰۰۸: ۳۱) در اواخر دوره ممالیک، قانصوه غوری (حک: ۹۰۷-۹۲۲ق.) عیار درهم را افزایش داد و خلوص آن را تا ۹۷٪ رسانید. این در حالی بود که خلوص درهم‌های ونیزی از ۶۰٪ فراتر نمی‌رفت؛ با این‌همه، شیرازه وضع اقتصادی چنان از هم گسیخته بود که این اقدام مانع افزایش قیمت‌ها و بروز مشکلات اقتصادی نشد (زامل، ۲۰۰۸: ۲۰۷).

در دوره ممالیک برجی، درهم‌های متعدد رایج بود. متداول‌ترین این سکه‌ها عبارت بود از سکه‌های قرمانیه منسوب به دولت بنی‌قرمان در آناتولی، سکه‌های بُندُقیّه منسوب به ونیز، سکه‌های قُبُرسیه منسوب به قُبُرس و ظاهریه منسوب به ظاهر برقوق (حک: ۷۸۴-۷۹۱ق، ۷۹۲-۸۰۱ق)، مؤیدیه منسوب به مؤید شیخ (حک: ۸۱۵-۸۲۴ق.) و اشرفیه منسوب به اشرف برسبای (حک: ۸۲۵-۸۴۱ق.) بود. نوع دیگری از سکه‌های تقلبی به نام «زغلیه»^۳ نیز وجود داشت که توسط افراد سودجو یا زغلی‌ها ضرب می‌شد (مقریزی، ۱۹۹۷: ج ۳۶۶/۶، ج ۲۲۴/۷).

در اواخر دوره ممالیک سه نوع درهم وجود داشت: نخست سکه‌هایی دارای وزن یکدست که ۳/۱۲۵ گرم وزن داشت، اما از نظام پولی مورد مبادله خارج بود. دوم درهم نقره که حدود ۲/۹۷ گرم وزن داشت و سوم درهم فلوس که پول رایج بود و دادوستد با آن انجام می‌گرفت و به علت محاسبه دینار و درهم (نقره) با آن، درهم حسابی هم نامیده می‌شد (Bacharach, 1971: 270).

۴. درهم فلوس (مس)

فلوس، جمع فلّس، به سکه‌های مسی اطلاق می‌شد که از نیمه دوم قرن ۹ق. ۱۵م. اساس داد و ستد در مصر و شام قرار گرفت و بهای درهم و دینار را با آن محاسبه می‌کردند (مقریزی، ۱۹۹۷: ج ۷۴/۷، ۲۴۳). فلزات قیمتی مانند طلا و نقره، پیوسته در طول تاریخ، مناسب‌ترین مواد برای ساخت سکه بوده است (مای، ۱۳۵۶: ۷۸)؛ ولی در برخی از دوره‌ها، علاوه بر این دو از مس نیز در نظام پولی استفاده می‌شده است. سکه‌های فلوس رایج در بازارهای این دوره، به درهم حسابی یا فلوس شهرت داشت (زامل، ۲۰۰۸: ۲۰۶). دلیل اصلی ضرب این نوع سکه‌ها نیاز مردم به سکه‌های کوچک و کم‌ارزش بود تا برای تهیه مایحتاج جزئی روزانه خود از آن‌ها استفاده کنند (مقریزی، ۱۹۸۰: ۴۳، ۶۶). ضرب فلوس

در مصر، نخستین بار در دوره ایوبیان انجام پذیرفت؛ ولی در دوره مذکور به عنوان پول رایج مورد استفاده قرار نگرفت و در دوره ممالیک برّجی رواج گسترده یافت (زامل، ۲۰۰۸: ۲۱۰). استفاده از آن در این دوره به حدی بود که آن را «عصر سیادت مس» خوانده‌اند (مهدی، ۲۰۰۸: ۳۴). اگرچه جنس فلوس از مس خالص نبود و سرب و آهن را نیز با آن مخلوط می‌کردند (سخاوی، بی تا: ۸۷) و گاهی تنها یک چهارم آن از مس بود. (مقریزی، ۱۹۹۷: ج ۲۶/۷) با این وصف، در دوره ممالیک برّجی، این فلز نقش نخست را در داد و ستد ایفا می‌کرد (زامل، ۲۰۰۸: ۲۱۰). اگرچه علت رایج شدن فلوس، فراوانی مس در مصر و اقبال مردم به آن دانسته شده (زامل، ۲۰۰۸: ۲۱۰)، به نظر می‌رسد علل دیگری چون کمبود طلا و نقره و ضعف اقتصادی، سبب شد تا این فلز کم‌ارزش جایگزین دینار و درهم (نقره) شود.

اطلاع دقیقی از زمان دقیق رونق یا رکود کاربرد فلوس در بازار مصر و شام در دست نیست؛ با این‌همه، از مجموع گزارش‌ها چنین استنباط می‌شود که جز در دوره‌های کوتاهی از دوره ممالیک برّجی که فلوس از رونق افتاد، در مجموع این فلز نقش اساسی را در معاملات ایفا می‌کرده است (مقریزی، ۱۹۹۷: ج ۴۵۲/۷). ضرب سکه فلوس در نیمه دوم قرن ۹ق، همزمان با توسعه استخراج مس از معادن اروپا و صدور آن به مصر، افزایش یافت و زمینه را برای رواج گسترده سکه‌های فلوس در مصر و شام فراهم کرد (زامل، ۲۰۰۸: ۲۱۰). همچنین مصر از مالی هم مقدار بسیاری مس وارد می‌کرد (شوقی، ۲۰۰۰: ۷۱). از زمان سلطان قایتبای (حک: ۸۷۳-۹۰۲ق). مقادیر زیادی از سکه‌های فلوس به بازار تزریق شد. شگفت آن‌که با وجود انحطاط اقتصادی در زمان قایتبای، سکه‌های ضرب شده، تقریباً از مس خالص بود. تعداد اندکی از سکه‌های ضرب شده در زمان سلطان قانصوه غوری (حک: ۹۰۶-۹۲۲ق). نیز از جنس برنز بود (زامل، ۲۰۰۸: ۲۱۱).

تا دهه‌های نخستین قرن ۹ق. / ۱۵م. که تا حدی وزن و شکل فلوس رعایت می‌شد و کمتر در آن ناخالصی راه داشت، معامله بر اساس تعداد فلوس انجام می‌شد و معمولاً ۲۴ سکه فلوس، معادل یک درهم نقره ارزش داشت (مقریزی، ۱۹۹۷: ج ۹۷/۶)؛ ولی همزمان با بحران اقتصادی، ارزش آن چنان کاسته می‌شد که هر ۴۸ سکه از آن معادل یک درهم نقره ارزش داشت. از زمان سلطان غوری که سکه‌های فلوس از نظر شکل و وزن متنوع گردید، دادوستد بر اساس وزن این سکه‌ها انجام می‌گرفت (زامل، ۲۰۰۸: ۲۱۱). وزن سکه‌های فلوس که در دوره ممالیک برّجی ضرب می‌شد، از ۳ تا ۱۴ گرم در نوسان بود و معیار

خاصی برای وزن آن‌ها به ویژه از زمان به قدرت رسیدن سلطان قایتبای وجود نداشت (قلشنندی، بی تا: ج ۳/۴۳۹-۴۴۰). هنگامی که دادوستد با فلوس بر اساس وزن آن رایج شد، معیار آن یک رطل، معادل ۴۵۰ گرم قرار گرفت و بهای هر رطل فلوس بین ۲۴ تا ۳۶ درهم (نقره) متغیر بود (ابن تغری بردی، بی تا: ج ۳/۴۴۵؛ ابن ایاس، ۱۹۸۲: ج ۶/۱۲۱، ۱۸۹). البته هم سکه فلوس و هم سکه درهم دارای ناخالصی بود (زامل، ۲۰۰۸: ۲۱۴).

ممالیک برجی به طور مکرر، سکه‌های فلوس جدیدی ضرب می‌کردند، چنان که منابع از ۱۹ بار ضرب این نوع سکه‌ها بین سال‌های ۸۶۳ تا ۹۲۳ق. ۱۴۵۹/ تا ۱۵۱۷م. سخن گفته‌اند. بیشترین موارد ضرب فلوس مربوط به سال‌های پایانی حکومت ممالیک است (زامل، ۲۰۰۸: ۲۱۲). دولت ممالیک از این طریق سود سرشاری می‌برد؛ زیرا با ضرب فلوس جدید، اقدام به جمع‌آوری فلوس ابطال شده به دو سوم بهای واقعی آن می‌کرد (ابن صیرفی، ۱۹۹۸: ۱۴۳). ورود سکه‌های جدید به بازار تا مدتی توقف خرید و فروش و سپس افزایش بهای کالاها را در پی داشت و موجب نارضایی بازاریان زیان دیده و مردمی می‌شد که توان پرداخت بهای کالاها را افزایش یافته را نداشتند (ابن تغری بردی، بی تا: ج ۳/۵۰۳، ۶۷۵).

ضرب سکه‌های فلوس، نابسامانی‌های گسترده اقتصادی را به دنبال داشت. مقریزی (۷۶۶-۸۴۵ق.) راه خروج از بحران اقتصادی و بازگشت مردم به زندگی عادی را رواج دوباره درهم و دینار در چرخه معاملات تجاری می‌دانست (مقریزی، ۱۹۸۰: ۸۰)؛ امری که تا پایان دولت ممالیک برجی اتفاق نیفتاد و اقتصاد مصر و شام همواره به سبب آن دچار بحران بود.

در مجموع عدم رعایت عیار سکه‌ها و ترویج سکه‌های تقلبی به منظور کسب ثروت یکی از علل انحطاط اقتصادی ممالیک برجی بود (مقریزی، ۱۹۸۰: ۸۲-۸۴؛ زامل، ۲۰۰۸: ۱۵۷)؛ چرا که سبب توقف دادوستد و بسته شدن بازار می‌شد (ابن تغری بردی، بی تا: ج ۲/۲۹۱-۲۹۶، ۳۱۰-۳۱۲). همچنین دارایی مردم کاهش می‌یافت و تبعاً حکومت مالیات کمتری دریافت می‌کرد. مردم نیز در داد و ستدها به سکه‌های خارجی تمایل نشان می‌دادند (زامل، ۲۰۰۸: ۲۱۷). مقریزی کاهش ارزش پول ملی را که نتیجه سیاست‌های غلط پولی دولتمردان آن دوره بود از مهم‌ترین علل بروز بحران اقتصادی و حتی اجتماعی در جامعه مصر دانسته است. به نوشته او، کاهش عیار سکه، یک بدعت در دولت اسلامی است که خداوند متعال آن را مجاز نمی‌داند (مقریزی، ۱۹۸۰: ۴۵-۴۸). این سیاست غلط پولی

ممالیک برّجی، سبب افزایش قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید مردم و بروز مشکلات اقتصادی نیز می‌گردید. امروز در علم اقتصاد مطرح می‌شود که «تغییرات پولی دلیل اساسی بی‌ثباتی اقتصادی است و تغییر در مقدار پول می‌تواند به تغییر در سطح قیمت کالاها منجر شود» (ماس، ۱۳۸۷: ۳۹).

۵. نتیجه‌گیری

نظام پولی عصر ممالیک برّجی، بسیار آشفته بود و این آشفتگی از همان آغاز روی کار آمدن ایشان در ۷۸۴ق مشهود بود. آشفتگی نظام پولی سبب شد جز در زمان‌های محدودی که بهای کالاها ثابت بود یا کاهش می‌یافت، قیمت‌ها به طور مداوم در حال افزایش باشد و قدرت خرید مردم کاهش یابد. در اواخر دورهٔ ممالیک برّجی، هنگامی که فلوس به عنوان سکهٔ رایج، نقش نخست را در معاملات تجاری ایفا می‌کرد، تعداد سکه‌های تقلبی افزایش یافت. در ضرب این گونه سکه‌ها، علاوه بر نقش غیرقابل انکار دولت در دار الضرب قاهره و سودجویان (زغلی‌ها)، صرافان نیز که واسطهٔ ارتباط بین حکومت و مردم بودند، نقش داشتند. از آن جا که امیران و رجال دولتی برای کسب موقعیت بهتر و ثروت بیشتر در نزاع و درگیری به سر می‌بردند، کمتر به اصلاح و ساماندهی نظام پولی توجه می‌شد. دلایل فساد نظام پولی ممالیک را می‌توان بدین شرح خلاصه کرد: ۱- کمبود فلزات گرانبهای طلا و نقره ۲- افزایش سکه‌های مسی (فلوس) ۳- ضرب سکه با وزن و عیار کاهش یافته، در حالی که ارزش پولی گذشته را همچنان دارا بود.

این وضع ناهنجار پولی و بی‌ثباتی ارزش آن و چند نرخی بودن یک کالا در مبادلات بازرگانی داخلی و خارجی اثر منفی داشت. از این رو، عدم ثبات نظام پولی و تقلب در ضرب سکه‌ها نه تنها بازارها و تجارت داخلی را دچار رکود کرد، بلکه تأثیری منفی بر روابط تجاری خارجی گذاشت و ممالیک برّجی با اقتصادی بحران زده، به سرعت به سمت انحطاط و سقوط گام نهادند و می‌توان گفت: بی‌ثباتی و آشفتگی نظام پولی و بحران اقتصادی یکی از علل مهم سقوط ممالیک برّجی بوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. نام قومی ساکن در نواحی غرب آفریقا که از کهن‌ترین مسلمانان آنجا به شمار می‌روند. این قوم در گذشته بیشتر در کنار رود سنگال (بین سنگال و موریتانی) زندگی می‌کردند. پادشاهی تکرور نقش مهمی در تجارت غرب آفریقا ایفا می‌کرد (حسینی، ۱۳۳۷: «تکرور»)
۲. درهم از جنس نقره یا مس بود، به درهم از جنس مس فلوس گفته می‌شد.
۳. زغل: جعل و تقلب کردن.

کتاب‌نامه

- ابن ایاس، محمد بن احمد، (۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م)، *بدائع الزهور فی وقایع الدهور*، تحقیق محمد مصطفی، قاهره، هیئت‌المصریه العامه للکتاب.
- ابن تغری بردی، جمال‌الدین یوسف، (۱۳۹۲ق/۱۹۷۲م)، *النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره*، قاهره، المؤسسة المصریه العامه.
- ابن تغری بردی، جمال‌الدین یوسف (بی‌تا). *حوادث الدهور فی مدى الایام و الشهور*، تحقیق محمد کمال‌الدین عزالدین، بیروت، عالم‌الکتب.
- ابن خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۹۱ق/۱۹۷۱م)، *العبر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن صیرفی، علی بن داوود، (۱۴۱۸ق/۱۹۹۸م)، *أبناء الهصر بأبناء العصر*، تحقیق مهمنا احمد مهمنا، بیروت، دار البشائر الاسلامیه.
- ابن طولون، شمس‌الدین محمد، (۱۳۸۱ق/۱۹۶۱م)، *فاکمه الخلان فی حوادث الزمان*، تحقیق محمد مصطفی، قاهره، المؤسسة المصریه العامه.
- اسدی، محمدبن محمد، (۱۹۶۸م)، *التیسیر و الاعتبار و التحریر و الاختبار*، قاهره، بی‌نا.
- اشقر، محمد عبدالغنی، (۱۹۹۹م)، *تجار التوابل فی مصر فی العصر المملوکی*، مصر، هیئت‌المصریه العامه للکتاب.
- حسینی، زهرا، (۱۳۳۷ش). «تکرور»، در *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، سیدکاظم موسوی بجنوردی، ج ۱۶، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- خادم، سمیر علی، (۱۹۸۹م)، *الشرق الاسلامی و الغرب المسیحی*، بیروت، موسسه دارالریحانی.
- زامل، محمد فتیح، (۲۰۰۸م)، *التحولات الاقتصادية فی مصر اواخر العصور الوسطی*، قاهره، المجلس الاعلی للثقافه.
- زقلمه، انور، (۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م)، *الممالیک فی مصر*، قاهره، مکتبه مدبولی.

١٠٦ مسكوكات و نظام پولی مصر و شام در دورهٔ ممالیک برجی و اثر ...

- سخاوی، شمس الدین محمد، (بی تا) *التبر المسبوك فی ذیل السلوك*، قاهره، مكتبة الكليات الازهریة.
- سخاوی، شمس الدین محمد (١٤١٦ق. / ١٩٩٥م.) *وجیز الكلام فی الذیل علی دول الاسلام*، تحقیق بشار عواد معروف و عصام فارس الحرسثانی، بیروت مؤسسهٔ الرساله، الطبعة الاولى.
- سیوطی، جلال الدین، (١٩٩٧م.) *تاریخ الخلفاء*، بیروت، دارالجمیل.
- سیوطی، جلال الدین (٢٠٠٠م.) *حسن المحاضرة فی اخبار مصر و القاهرة*، بیروت، دارالجمیل.
- شبارو، عصام محمد، (١٣٨٦ش.). *دولت ممالیک*، ترجمهٔ شهلا بختیاری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شوقی، عبدالقوی عثمان حبیب، (٢٠٠٠م.) *التجارة بین مصر و افریقا فی عصر سلاطین الممالیک*، القاهرة، المجلس الاعلی للثقافة.
- ظاهری، زین الدین عبدالباسط، (٢٠٠٢م.) *نیل الامل فی ذیل الدول*، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، المكتبة العصریة.
- عاشور، سید عبدالفتاح، (بی تا.) *مصر و الشام فی عصر الايوبیین و الممالیک*، بیروت، دارالنهضة العربیة.
- عبادی، احمد مختار، (١٩٩٥م.) *فی تاریخ الايوبیین و الممالیک*، بیروت، دارالنهضة العربیة.
- قلقشندی، احمد بن علی، (بی تا.) *صبح الاعشى فی صناعة الانشاء*، تحقیق یوسف علی، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- گلاب، جان باگت، (١٣٨٦ش.) *سربازان مزدور*، ترجمه مهدی گلجان، تهران، امیر کبیر.
- ماس، لورنس، (١٣٨٧) *اندیشه های اقتصادی لودویک فون میزس*، ترجمه فریدون تفضلی، تهران، نشر نی.
- مای، لودویگ، (١٣٥٦) *آشنایی با علم اقتصاد*، ترجمه علی اصغر هدایتی، تهران، بی نا.
- مقریزی، تقی الدین احمد، (١٤٢٨ق. / ٢٠٠٧م.) *الاوزان و الأکیال الشرعیة*، تحقیق سلطان بن هلیل المسمار، بیروت، دار البشائر الاسلامیة.
- مقریزی، تقی الدین احمد (١٩٨٠م.) *إغائنه الامه بکشف الغمه*، بیروت، مؤسسه ناصر للثقافة.
- مقریزی، تقی الدین احمد (١٩٩٧م.) *السلوک لمعرفة دول الملوك*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- مقریزی، تقی الدین احمد (١٤١٨ق. / ١٩٩٨م.) *الخطط المقریزیة*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- مهدی، شفیق، (٢٠٠٨م.) *ممالیک مصر و الشام*، بیروت، الدار العربیة للموسوعات.
- نبروی، رأفت محمد، (١٩٩٦م.) *التقود الاسلامیة فی مصر: عصر دولة الممالیک الجراکسه*، قاهره، مرکز الحضارة العربیة، للاعلام والنشر،
- نجدی، حمود بن محمد، (١٤١٤ق.) *النظام النقدي المملوکی*، اسکندریه، مؤسسه الثقافة الجامعیة.
- زیاده، نیکلا، (١٣٦٦ش.). *دمشق در عصر ممالیک*، ترجمه امیر جلال الدین اعلم، تهران، علمی فرهنگی.

حمیدرضا ثانی و احمدرضا متولی ۱۰۷

- هینس، والتر، (۱۳۸۸ش.) /وزان و مقیاس‌ها در فرهنگ اسلامی، ترجمه غلامرضا وره‌رام، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Ayalon, David, (1957) "The system of payment in mamluk military society", in Journal of the Economic and Social History of the Orient, vol.1, No.1, 37-65.

Bacharach, Jere L., (1971), Circassian Monetary Policy, Silver, The Numismatic, Ser.11, 267-281.

Heyd. W, (1886-1888), Histoire du commerce du levant au moyen age, Leipzig.

Shoshan, Boaz, (1986), "Exchange-Rate Policies in Fifteenth-century Egypt", in JESHO, vol.19, 215-224.

Schultz, Warren c., (1999), Mamluk Monetary History, Middle East Documentation, The university of Chicago.